

زندگینامه

شهید مولانا عبدالملک ملازاده رحمته الله علیه

رحمته الله علیه عبدالباسط بزرگزاده

استعمارگران خارجی، به ویژه با انگلیسی ها همواره در یاد و خاطره مردم بلوچستان نقش بسته و زبانزد خاص و عام است و از یادها نمی رود. ایشان نخستین عالم دینی ای بود که در زمان خود احکام و حدود شرعی را با قاطعیت اجرا می کردند.

دوران کودکی

استاد شهید از همان دوران کودکی در هوش و قریحه ذهنی و فکری از هم سن و سالانش ممتاز بود. در بازی ها و جست و خیزهای گودکانه اش ذوق و طبعی خاص و دوست داشتنی از خود نشان می داد. از همان دوران کودکی استعدادها و صلاحیت هایش نمودار بود.

وی قبل از تحصیلات ابتدایی قرائت قرآن و حفظ بعضی سوره ها را نزد والدین خویش فرا گرفت.

تحصیلات

۱- تحصیلات ابتدایی

استاد شهید مولانا عبدالملک در سال ۱۳۳۴ هـ ش وارد مدرسه ابتدایی در روستای پارود شد و سه سال را در آنجا سپری کرد و سپس به خاطر سکونت پدر بزرگوارش در زاهدان به همراه خانواده به زاهدان منتقل و دوره ۶ ساله تحصیلات ابتدایی آن زمان را در زاهدان به پایان رسانید.

۲- تحصیلات حوزوی

مولانا پس از به پایان رسانیدن دوره ابتدایی به تشویق والد گرامی خویش برای کسب علوم دینی و

اشاره: اظهار نظر و بررسی ابعاد وجودی شخصیت شهید مولانا عبدالملک ملازاده رحمته الله علیه چیزی نیست که از این قلم ناتوان ساخته باشد. اما شرایط و نیاز جامعه می طلبد که در حد توان گوشه ای از زندگی رادمردان تاریخ جهت احیای راهشان و حفظ روحیه شجاعت و حماسه آفرینی بازگو شود تا ملت ها بتوانند از این رهگذر به اصلاح حال و آینده خود بپردازند.

لذا این مختصر با شناخت شخصی و جستجو از دوستان شهید و با استفاده از نوارهای ایشان تهیه شده است. امید است توفیقی حاصل شود تا در آینده تحقیق جامع و کاملی از زندگی ایشان جمع آوری و تقدیم خوانندگان عزیز گردد.

ولادت

مولانا عبدالملک ملازاده رحمته الله علیه فرزند حضرت مولانا عبدالعزیز رحمته الله علیه در سال ۱۳۲۸ هـ ش در روستای حیط از توابع شهرستان سرباز بلوچستان در خانواده ای متدین، عالم، با تقوا و مبارز دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوارش مولانا عبدالعزیز رحمته الله علیه از علما و روحانیون سرشناس منطقه بود که بعدها زعامت و رهبری جامعه اهل سنت بلوچستان را به عهده گرفت و در میان مسلمانان اهل سنت ایران نیز از نفوذ و محبوبیت زیادی برخوردار بود.

مبارزات جد بزرگوارش، مولوی عبدالله سربازی رحمته الله علیه، با شرک و بدعت و مبارزه با

مولانا

عبدالعزیز رحمته الله علیه از

علما و روحانیون

سرشناس منطقه

بود که بعدها

زعامت و رهبری

جامعه اهل سنت

بلوچستان را به

عهده گرفت و در

میان مسلمانان

اهل سنت ایران نیز

از نفوذ و محبوبیت

زیادی برخوردار

بود.

برنامه‌ای الهی می‌گردد تا برای انسانهای روی زمین شاهد و الگو باشد. همچنان پیامبر نیز بر مسلمانان شهید بودند: «ولیکون الرسول شهیداً علیکم و تکنونوا شهداء علی الناس».

آری! مسلمانان از منظر قرآن این صلاحیت و کفایت را دارند که با تاسی از پیامبر خدا این الگوی حسنه و جاوید تاریخ «امت وسط» و شهید و گواه بر مردم گردند «و کذالک جعلناکم امة وسطاً لتکنونوا شهداء علی الناس».

و بدین سان است که فرزندان راستین این امت به منزلت و جایگاهی می‌رسند که با شهادت لسانی و عملی خویش الگو و سرمشقی می‌شوند که چگونه زیستن و چگونه مردن را به تصویر می‌کشند.

استاد شهید مولوی عبدالملک از جمله شخصیت‌هایی بود که در جلب رضایت خالق و خدمت به خلق سر از پا نمی‌شناخت و با حضور در صحنه‌های خدمت، ایثار، استقامت و هجرت به اثبات رساند که از دوستداران راستین اسلام و قرآن، و خواهان رشد و سعادت جامعه اسلامی است. و در مسیر ادای تکلیف دینی و انسانی خویش از هیچ کوششی دریغ ننموده و انواع مصائب و سختیها را به جان خریدار است.

استاد شهید به نهضت عظیم تجدید بیداری اسلامی تعلق داشت و در این آرزو بود که اجزاء از هم گسیخته این امت به هم بپیوندند و برای این منظور دعوت و تبلیغ و آموزش لازم برای اجرای یک برنامه پرورشی مکتبی که الهام گرفته از دوران مکی و مدنی رسول خدا ﷺ باشد را لازم می‌دید.

و معتقد بود که برای حاکمیت اسلام و تعالیم الهی و ایجاد جامعه‌ای پویا و پرتحرک، تلاش و کوشش ضروری است و همواره این سخن ارزشمند سیدنا حضرت حسین (ع) را تکرار می‌کردند که: «انما الحیة عقیده و جهاد»؛ یعنی زندگی چیزی جز عقیده و جهاد نیست.

لذا برای اجرای این اهداف پس از ورود به ایران و اتمام دوره سربازی وارد عرصه‌های دینی و فرهنگی شدند و فعالیت‌های زیادی را در این خصوص انجام دادند که به برخی از آنها مختصراً

عربی وارد مدرسه علوم دینی عزیزیه سرباز شد و به مدت چهار سال از اساتید برجسته آنجا همچون مولانا تاج محمد بزرگزاده و دیگران بهره برد. و پس از آن برای آشنایی و استفاده بیشتر رهسپار کراچی گردید و در جامعه دارالعلوم کراچی نزد اساتید و شخصیت‌های بزرگ علمی آنجا مثل شیخ الحدیث مولانا سبحان محمود، مولانا عاشق‌الهی، علامه مولانا محمدتقی عثمانی و غیره کسب علم و فیض نمود. سپس بنابه درخواست پدرش به ایران بازگشت و دوران پایانی تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه عین‌العلوم گشت سراوان به پایان رسانید.

عطش زائدالوصف شهید عبدالملک نسبت به علم و دانش سبب شد تا برای گذراندن سطح بالاتری از علوم و معارف دینی یعنی تخصص در فقه و فتوا به دارالعلوم کراچی باز گردد. پس از گذشت یکسال و اندی در اواخر سال ۱۳۵۱ هـ ش در دانشگاه اسلامی مدینه منوره پذیرفته شد و مدت چهار سال از بهترین و پرشورترین دوران جوانی‌اش را در سرزمین مقدس وحی و مرکز رسالت الهی نزد اساتید توانا و با تجربه آن دیار معنوی و پر برکت گذراند.

دانشگاه مدینه منوره که تجلی‌گاه تلاقی و تضارب افکار و اندیشه‌های دینی مختلف و محل رفت و آمد علماء و اندیشمندان مسلمان سراسر جهان بود، تأثیر شگرف و بسزایی در شکل‌گیری اندیشه‌های بلند دینی، اجتماعی و سیاسی استاد شهید داشت.

سرانجام ایشان در اوایل سال ۱۳۵۶ هـ ش از دانشکده «دعوت و اصول دین» دانشگاه مدینه منوره فارغ‌التحصیل شد. وی با وجود علاقه و آفری که به ادامه تحصیل داشت اما بنابه اصرار و خواسته پدر بزرگوارش با کوله‌باری از دانش و معنویت به بلوچستان ایران بازگشت.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی

انسان موجودی است زمینی، اما به واسطه وحی آسمانی که از طریق پیامبران به او می‌رسد حامل

استاد
شهید مولوی
عبدالملک از جمله
شخصیت‌هایی بود
که در جلب رضایت
خالق و خدمت به
خلق سر از پا
نمی‌شناخت و با
حضور در
صحنه‌های خدمت،
ایثار، استقامت و
هجرت به اثبات
رساند که از
دوستداران راستین
اسلام و قرآن، و
خواهان رشد و
سعادت جامعه
اسلامی است.

اشاره‌ای خواهیم داشت:

۱- خدمت در آموزش و پرورش

ایشان با هدف تربیت نسل جوان و آگاهی دادن و نزدیک شدن و ارتباط بهتر با این قشر ارزشمند جوان و تحصیل کرده در سال ۱۳۵۸ هـ.ش به عنوان دبیر به خدمت آموزش و پرورش شهرستان زاهدان درآمد و کتابهای عربی و بینش اسلامی ویژه اهل سنت را تدریس می‌کردند. حضور ایشان در دبیرستانها باعث شد که احساسات و انگیزه‌های دینی دانش‌آموزان بارور گردیده و برای باز یافتن هویت دینی و ملی از دست رفته‌شان توجه نموده و ارتباط فکری و عاطفی خاصی با مولانا برقرار سازند.

از طرف دیگر حضور مولانا در آموزش و پرورش سبب شد تا ارتباط مولانا با دبیران و نخبگان جامعه نزدیک شود و بعدها توانست با آنان درباره مشکلات عمومی و آموزشی فرزندان مسلمین بحث و بررسیهایی داشته باشد.

۲- راه‌اندازی کلاس‌های عقیدتی و اخلاقی

یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین اقدامات مولانا عمق بخشیدن به ارزشهای دینی و گسترش اصول و مبانی اخلاقی و مبارزه خستگی‌ناپذیر، مداوم و مستمر با انحرافات اعتقادی و اخلاقی بود.

با توجه به اینکه شرایط دینی و اخلاقی حاکم بر جامعه در ابتدای انقلاب شرایط و اوضاعی کاملاً متغیر و دستخوش تبلیغات جریانهای انحرافی و سودجویان بود که در آن جو پرالتهاب و ابهام‌آلود، جامعه و نسل جوان را با بحران هویت مواجه کرده بود. لذا نیاز به فعالیت‌ها و برنامه‌هایی دقیق و حساب شده احساس می‌شد و اندیشمندان و متولیان دین و متدینان را به این اندیشه و فکر مواجه ساخته بود که برای درمان این دردها و آگاهی افکار جامعه دست به چاره‌اندیشی بزنند.

در همین مقطع بود که مولانای شهید در قالب فعالیت‌های فرهنگی و عقیدتی به تبیین ارزشهای فکری، اخلاقی، اجتماعی و تاریخ اسلام پرداخت و دیدگاهها و نظرات زمینه‌های مختلف را برای نسل جوان پرسش‌گر و پژوهشگر تشریح می‌کرد و

همواره تأکید داشت هیچ برنامه‌ای به جز اسلام راستین نمی‌تواند مشکلات جهان را حل کند. خصوصاً به تبیین ویژه‌گیهای نهضت صدر اسلام و خلافت خلفای راشدین بیشتر می‌پرداخت و به شبهاتی که در این خصوص مطرح می‌شد پاسخهای علمی و قانع‌کننده‌ای می‌داد.

یکی از ویژه‌گیهای بارز استاد شهید حضور ذهن، قوت حافظه و توانایی علمی در پاسخ به هرگونه سؤال بود که حکایت از نبوغ فکری و کثرت مطالعه و آگاهی لازم از جهان معاصر داشت. و این ویژگی باعث شده بود که این کلاسها مورد استقبال زیاد جوانان تحصیل کرده و فرهنگیان قرار گیرد. و بسیاری از جوانان نتایج مفید و اثرات آن کلاسها را بیاد می‌آورند و ابراز می‌دارند که زیر بنای فکری و عقیدتی خود را در همان دوران از استاد شهید فرا گرفته‌اند.

۳- فعالیت‌های دیگر

استاد شهید غیر از فعالیت‌های مذکور برنامه‌های فرهنگی زیادی داشته‌اند که برخی از آنها را فهرست وار ذکر می‌کنیم:

۱- تدوین بعضی جزوه‌ها و کتابچه‌ها:

ایشان بنابر نیاز جوانان و شرکت‌کنندگان در کلاسهای عقیدتی جزوه‌هایی ترتیب می‌دادند و در اختیار آنها می‌گذاشتند. همچون: ا- جهان‌بینی اسلامی؛ ب- ویژگیهای ایدئولوژی اسلامی؛ ج- دین در خدمت مردم؛ د- افکار سیاسی امام ابوحنیفه رحمته‌الله و....

۲- تأسیس کتابخانه‌های عمومی:

ایشان برای ترویج و تعمیق فرهنگ اسلامی در کنار فعالیت‌های گوناگون به تأسیس کتابخانه‌های عمومی توجه نموده و به اهمیت بسزای آن اذعان داشت. و در نظر داشت که در کلیه شهرها و روستاها کتابخانه‌هایی جهت استفاده جوانان تحصیل کرده راه‌اندازی نماید. هر چند که شرایط و امکانات محدود آن زمان اجازه چنین برنامه‌ای را در سطح گسترده نمی‌داد اما ایشان موفق شدند چندین کتابخانه را تأسیس نمایند. از جمله کتابخانه عمومی توحید در مسجد مدنی زاهدان و چندین

ایشان
با هدف تربیت
نسل جوان و آگاهی
دادن و نزدیک
شدن و ارتباط بهتر
با این قشر
ارزشمند جوان و
تحصیل کرده در
سال ۱۳۵۸ هـ.ش
به عنوان دبیر به
خدمت آموزش و
پرورش شهرستان
زاهدان درآمد و
کتابهای عربی و
بینش اسلامی ویژه
اهل سنت را
تدریس می‌کردند.

کتابخانه دیگر در روستاهای استان تأسیس نمود.
۳- ارتباط فرهنگی با مناطق اهل سنت ایران:

یکی از اهداف و آرمانهای مهمی که مولانا دنبال می‌کردند ایجاد روابط دینی و فرهنگی و تبادل فکری و تقویت روحی جامعه اهل سنت ایران و شناخت از مشکلات یکدیگر بود. و بدین منظور سفرهای متعددی به مناطق مختلف اهل سنت از جمله کردستان، خراسان، مازندران، گیلان و جنوب ایران داشتند. این سفرها تاثیرات مثبت و عمیقی را به همراه داشت و اولین جرعه همبستگی و رابطه بین مردم این استان با دیگر مناطق سنی نشین محسوب می‌شود.

۴- سخنرانی‌های عمومی:

از جمله فعالیت‌های استاد شهید سخنرانیهای گوناگون در مراسم نماز جمعه و عیدین در بین عموم مردم و در مدارس دینی برای طلاب بود. از ویژگیهای سخنرانیهای ایشان این بود که وی می‌کوشید به موضوعات مهم و هدفمند و به مسائل مورد نیاز روز توجه بیشتری داشته باشد.

فعالیت سیاسی

همان‌گونه که استاد شهید برای مسائل جاری فرهنگی و علمی جامعه اهمیت بسزایی قائل بود و در مقابل آنها حساسیت نشان می‌داد و در راستای آن دست به اقدامات و فعالیت گسترده‌ای زد و برای بالا بردن سطح علمی و فرهنگی نسل جوان کلاسهای آموزش ایدئولوژی دایر نمود، به همان میزان به مسائل سیاسی و لزوم فعالیت در آگاهی بخشیدن به مردم نسبت به قضایای مربوط به سیاست اهمیت می‌داد و سیاست اسلامی را جزء لاینفک نظام ساختاری اسلام می‌دانست و معتقد بود که بموازات مسائل علمی و فرهنگی به مسائل سیاسی نیز بذل توجه شده و در برابر آن واکنش نشان داده شود.

این بینش سیاسی استاد شهید به زمان و دوران تحصیل وی در پاکستان باز می‌گردد. در همان زمان بود که در فضای باز سیاسی پاکستان و در مسیر مبارزه مردم پاکستان و احزاب اسلامی آنجا برای

اجرای قانون اسلامی قرار گرفت و با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی احزاب مختلف آشنا و در بعضی از فعالیت‌های آنها شرکت جست. و پس از آن در سعودی نیز تجاربی بدست آورد. لذا این بینش سیاسی، وی را بر آن داشت تا در ابتدای انقلاب و در فضای باز سیاسی آن زمان دست به فعالیت‌هایی بزند که به برخی از آنها اشاره مختصری می‌نمایم:

۱- همکاری با حزب اتحاد المسلمین:

در اواخر سال ۱۳۵۷ هـ ش حزب اتحاد المسلمین توسط علمای برجسته بلوچستان به رهبری مولانا عبدالعزیز رحمته‌الله تشکیل شد و در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی موضعگیریهایی داشت و در جهت احقاق حقوق مذهبی و ملی مردم منطقه و اشتغال آنها در ادارات دولتی نقش فعالی بازی کرد.

استاد شهید با این حزب همکاری نزدیکی داشت و از ایدئولوژیهای مهم و فعال آن بشمار می‌رفت. این حزب در بسیاری از وقایع و رویدادهای جاری جامعه مثل اولین دوره انتخابات شورای شهر و مخالفت با اصل سیزده قانون اساسی موضعگیریهایی قاطعی نشان داد.

۲- تأسیس سازمان محمدی:

در اوایل انقلاب اسلامی اضطراب و التهاب خاصی بر کشور حکم فرما بود و احزاب و گروههای مختلفی برای رسیدن به اهداف گوناگون خود فعالیت داشتند. منطقه بلوچستان تا آن زمان زیر چکمه‌های ستمکاران بود و مردم آن در فقر و بدبختی نگهداشته شده و از هرگونه رشد فکری و فرهنگی باز داشته شده بودند.

مولانا رحمته‌الله در سال ۱۳۵۹ هـ ش پس از جلسات بحث و گفتگوهای فراوان با جوانان مسلمان و غیره که خود ناظر جو مغشوش و شاهد شعارهای فریبنده و دروغین بودند، به این نتیجه و فاق رسیده بود که برای مبارزه با این گروهکهای موجود و معلوم الحال، موجودیت سازمانی به نام «سازمان اسلامی محمدی اهل سنت» را اعلام کند که برخی از اهداف مهم آن بشرح زیر بود:

✓ یکی از اهداف و آرمانهای مهمی که مولانا دنبال می‌کردند ایجاد روابط دینی و فرهنگی و تبادل فکری و تقویت روحی جامعه اهل سنت ایران و شناخت از مشکلات یکدیگر بود.

جرقه همبستگی و رابطه مردم این استان و دیگر مناطق ایجاد شد و طلاب زیادی هم از مناطق مختلف کشور جذب حوزه علمیه دارالعلوم شدند. سرانجام در اواخر همان سال بدلایلی این حزب منحل گردید، اما ارتباطات و کلاسها همچنان پا برجا ماندند.

۳- شورای شمس:

در سال ۱۳۶۰ هـ ش شورای مرکزی سنت (با نام اختصاری «شورای شمس» به منظور هماهنگی و همصدایی علمای اهل سنت کل ایران و تلاش در جهت رسیدن به حقوق مذهبی و قانونی با همت علامه احمد مفتی‌زاده رحمته‌الله و با مشارکت علمای مناطق مختلف اهل سنت، در تهران تشکیل شد. استاد شهید همکاری نزدیکی با این شورا داشت و در جلسات آن فعالانه شرکت می‌جست. اما فعالیت‌های این شورا نیز با دستگیری علامه احمد مفتی‌زاده رحمته‌الله و بسیاری از اعضاء آن، از جمله خود مولوی عبدالملک متوقف گشت.

۴- همکاری با جهاد اسلامی افغانستان:

استاد شهید از همان دوران تحصیل وجودی پرتحرک و ناآرام داشت. مجاهدی بود که آماده هر نوع فداکاری و مبارزه بود. شوق جهاد و مبارزه در وجودش موج می‌زد؛ و به گروههایی که معتقد به جهاد و مبارزه بودند گرایش و ارتباط داشت. در همان دورانی که در دارالعلوم کراچی بودند و در مراحل اولیه حرکت تکامل فکری خود بسر می‌بردند از بین گروههای مبارز اسلامی که در پاکستان وجود داشتند بیشتر با «مدنی گروپ» یعنی طرفداران مولانا حسین احمد مدنی رحمته‌الله که معتقد به مبارزه و جنگ مسلحانه بر علیه کفار و اشغالگران بودند رابطه داشت و در جلسات آنها شرکت می‌جست. و همواره جوای حال مجاهدان در حال مبارزه و نبرد در جبهه‌های حق علیه باطل در سراسر جهان بود. زمانی که جهاد اسلامی مردم افغانستان بر علیه نیروهای اشغالگر اتحاد جماهیر شوروی شروع شد ایشان از این حرکت جهادی آنها حمایت کرد و همکاری و ارتباط تنگاتنگی با سران اخزاب مجاهدین برقرار ساخت و از هیچ کمک

۱- سازماندهی نیروهای با ایمان و فعال جامعه؛
۲- پشتیبانی از آزادی مطبوعات، قلم و بیان در چارچوب ضوابط اسلامی؛

۳- اعتقاد به سیستم غیرمتمرکز و تشکیل شوراهای منتخب مردم؛

۴- مخالفت با بعضی از سیاست‌های دولت در منطقه که مغایر با مذهب و فرهنگ منطقه و قانون اساسی کشور باشد؛

۵- مبارزه شدید با تفرقه‌اندازان و گروهکهای چپ؛

۶- احترام به فرهنگ و زبان مردم منطقه.

استاد شهید برای عملی شدن این اهداف سه امر مهم را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دادند:

الف: برای نشر افکار دینی و تنویر اذهان و انعکاس اهداف و فعالیت‌های سازمان نشریه‌ای بنام «تابشی از اسلام» را انتشار دادند که بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی در آن انعکاس می‌یافت. این نشریه تا دو شماره به چاپ رسید اما بعدها با متوقف شدن فعالیت‌های سازمان محمدی این نشریه تعطیل شد؛

ب: برای فعالیت‌های اجتماعی و تشکیل کلاسهای عقیدتی و سیاسی ایشان مسجد مدنی زاهدان را مرکز تجمع و فعالیت‌های خود قرار داد. که این محل مرکز رفت و آمد دانش‌آموزان، جوانان و روشنفکران قرار گرفت. و کلاسهای مختلف و متعددی از قبیل ترجمه، تفسیر و قرائت قرآن، ویژگیهای ایدئولوژی اسلامی، سیرت پیامبر و خلفای راشدین، بررسی مکاتب و اندیشه‌های مارکسیستی و غیره دایر گردید؛

ج- به منظور توسعه ارتباطات مردمی و شناخت مناطق اهل سنت سفرهای دسته‌جمعی به مناطق سنی‌نشین کشور تربیت داده شد. و چندین بار مولوی باگروهی از جوانان سفرهایی را ترتیب داد و به اکثر مناطق سنی‌نشین سفر کرد و از نزدیک وضع دینی و فرهنگی اهل سنت را بررسی و مطالعه کرد.

این سفرها تأثیرات مثبت و عمیقی را در بین مردم آن مناطق به همراه داشت. بطوری که اولین

کبرای
نشر افکار دینی و
تنویر اذهان و
انعکاس اهداف و
فعالیت‌های
سازمان نشریه‌ای
بنام «تابشی از
اسلام» را انتشار
دادند که بسیاری از
مسائل سیاسی،
اجتماعی، فرهنگی
و دینی در آن
انعکاس می‌یافت.

سران و فعالین دعوت اسلامی در این کشورها به هم فکری و تبادل نظر پرداخت. و در این مدت نیز ارتباط فکری تنگاتنگی با گروههای جهادی داشت و ۶ ماه نخست را در پیشاور، مرکز تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مجاهدان اسلامی افغانستان گذراند.

بعدها تا زمان شهادت در شهر کراچی مستقر بودند. شجاعت، بی‌باکی و دلیری ایشان در این دوران قابل توجه و تحسین بود وی معتقد بود مرگ هیچ وقت قبل از وقت به سراغ انسان نمی‌آید.

افکار و اندیشه‌ها

مهمترین و حساس‌ترین فراز زندگی ایشان، افکار و اندیشه‌های بلند و روشنگرانه ایشان است. در واقع سخن از شهید عبدالملک سخن از اندیشه، حرکت و جهاد و مبارزه است.

چون این مقاله گنجایش و ظرفیت درج تمامی افکار و اندیشه‌های شهید بزرگوار را ندارد فقط به ذکر برخی از این اندیشه‌ها بطور اختصار بسنده و اکتفاء می‌کنیم.

۱- عقیده

استاد شهید در بحث عقاید اسلامی از میان روش‌های متعدد و مختلف همان روش سلف و گذشتگان یعنی صحابه و تابعین را می‌پسندید و نسبت به مذاهب کلامی که بعدها در قرن دوم و سوم بوجود آمد نگاهی منتقدانه داشت و این عقیده و طرز تفکر را با مطالعه عمیقی که در کتابهای اعتقادی داشت بدست آورده بود.

خصوصاً درباره بحث اسماء و صفات خداوند متعال همان روش سلف را که بدون تأویل همه آنها را می‌پذیرفتند ترجیح می‌داد.

۲- فقه

در مسائل فقهی ایشان حنفی بودند. اما خصیصه و ویژگی که ایشان را از بقیه علما ممتاز می‌کرد این بود که وی معتقد به ترجیح راجح اقوال فقهی بود، نه تلفیق و خروج از مذهب. یعنی در میان اقوال و نظریات مجتهدین همان اقوال و نظریاتشان را که راجح‌تر و از ادله قوی‌تری برخوردار بودند بر می‌گزید و این حکایت از نبوغ علمی و تبحر فکری

مالی و معنوی دریغ نکرد. خصوصاً با شهید عبدالله عزام رحمته‌الله در تماس بود. وی شخصیتی بود که مورد اطمینان تمام جنبشهای اسلامی و اسلام خواهان بود. به قول یکی از مجاهدان عرب ایشان پل ارتباطی میان مجاهدان مسلمان دنیا با مجاهدان افغانستان بود.

خانه ایشان استراحتگاه مجاهدینی بود که از کشورهای عربی و ترکیه و غیره به قصد شرکت در جهاد افغانستان بر ایشان وارد می‌شدند تا زمینه ورود آنها را به افغانستان فراهم کند. و همواره در سخنرانیهای خود بر لزوم فراگیری آموزش نظامی برای جهاد و مبارزه و حضور در میدانهای جهاد اسلامی تاکید و تشجیع می‌کرد. و خودشان هم دوبار به افغانستان عزیمت کرد و فنون رزمی و جهادی را فرا گرفته و از نزدیک صحنه‌های جهاد و مبارزه اسلامی را در آنجا مشاهده نموده بود.

۵- هجرت:

یکی از مهمترین مراحل زندگی استاد شهید هجرت و خروج از کشور ایران به قصد پاکستان بود.

در واقع شجاعت، حق‌گویی و انتقاد خیرخواهانه از عملکرد ارگانهای دولتی در استان، و فعالیت‌ها و تلاش‌های فکری و فرهنگی ایشان در نهایت مشکل ساز شد. در آن زمان رشد فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه به آن حد نرسیده بود که طرح اصلاحات و دگراندیشی به عنوان اندیشه‌ای متعالی و دلسوزانه تلقی شود. به همین دلیل متأسفانه سخنان صادقانه ایشان از نظر بعضی حمل بر رویارویی با نظام تلقی شد و این امر مشکلاتی را برای ایشان بدنبال داشت و ماندن را برای ایشان در داخل کشور دشوار ساخت. لذا ایشان در اواخر سال ۱۳۶۸ هـ ش به پاکستان هجرت نمود و مدت ۶ سال در آنجا اقامت گزید. در این مدت ایشان با وجود شرایط سخت زندگی در دیار هجرت و فقدان امکانات و تجهیزات لازم و ضروری، همچنان به تلاش‌ها و فعالیت‌های خود ادامه داده و برای طلاب ایرانی کلاسهایی دایر نمود. با علما و سران احزاب اسلامی پاکستان رابطه برقرار کرد. به کشورهای اسلامی سفرهای متعددی نمود و با

وی ✓
شخصیتی بود که
مورد اطمینان تمام
جنبشهای اسلامی
و اسلام خواهان
بود. به قول یکی از
مجاهدان عرب
ایشان پل ارتباطی
میان مجاهدان
مسلمان دنیا با
مجاهدان
افغانستان بود.

و قوه تشخیص وی داشت، و معتقد بود. اگر کسی بنابه تحقیق و تشخیص دلایل به ترجیح یک قول پی برده باشد و به آن عمل کند هیچ ایرادی بر او وارد نخواهد بود. ایشان می فرمود:

«ما دوست داریم که همه علماء و مجتهدین یک فکر و عقیده داشته باشند اما چون که یک فکر شدن خیلی مشکل است بنابر نصوص و ادله وارده اختلاف پیش می آید ما باید این اختلاف را تحمل بکنیم و نباید بین ما افتراق پیش بیاید. از همان دوران و عصر پیامبر خدا ﷺ و در بین یاران رسول خدا در فهم نصوص اختلاف بود. و فتاوی مختلفی داشتند و در بین ائمه مذاهب و شاگردانشان اختلاف اجتهادی بروز کرده و در طول تاریخ در میان علماء آراء و اجتهادات گوناگونی در چارچوب قرآن و سنت بوده است. لذا ما در مسائلی که نص قطعی وجود ندارد و جای اجتهاد است در تجزیه و تحلیل و استنباط نصوص شرعی اگر کسی عقیده و قول فقهی ای را برگزید که از چارچوب قرآن و سنت و از آراء سلف و مجتهدین امت بیرون نرفته، شما هم او را حق ترجیح داده و معذور بدانید.

اگر بخواهیم ادله خود را حق و دلائل دیگران را ناحق بدانیم این باعث اختلاف و افتراق می شود. زمانی ما می توانیم در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشیم که افکار اسلامی یکدیگر را تحمل کنیم. اگر کسی مثلاً بعد از نماز دستهایش را هنگام دعا بلند نمی کند، یا رفع یدین می کند و برای خودش دلیل دارد و دیگری بر عکس عمل می کند و برای خود دلیل دارد، نباید با هم اختلاف کنند بلکه باید نسبت به هم احترام قائل بوده و برادر همدیگر باشید و در این مسائل جزئی و فرعی با هم درگیر نشوید. در اسلام مسائل مهمتری است که باید در آن مسائل با هم همفکری و همکاری کنید».

۳- احزاب و گروههای اسلامی

در جهان اسلام در پی انحطاط فکری و سیاسی مسلمانان جنبشهای اصلاح طلبی مختلفی ظهور

کرد و اساس و مبنای فکری همه این نهضت ها با وجود برخی اختلافات جزئی و سلیقه ای، رهایی امت اسلامی از این انحطاط فکری و سیاسی و احیای مجدد فکر دینی به روش سلف صالح و مسلمانان صدر اسلام بود.

استاد شهید پیرامون آشنایی و دیدگاه خود درباره این احزاب و گروهها این گونه اظهار نظر می فرماید: «زمانی که ما در ایران بودیم در مورد مسائل و امور سیاسی جهان اسلام و احزاب و گروههای مختلف معلومات محدودی داشتیم. اما موقعی که به پاکستان و عربستان رفتیم، دیدیم جامعه آنجا فرق می کند. گروهها و حرکتها، مختلفی مثل اهل حدیث، جماعت اسلامی، دیوبندی، اخوان المسلمین، بریلوی و... وجود داشت. در مدتی که آنجا بودیم با این مکتبها و گروهها بهتر آشنا شدیم و با برخی از آنها ارتباط برقرار کردیم. در کشورهای اسلامی بیش از نود گروه اسلامی وجود دارد و هر گروهی گروه دیگری را رد می کند و هر کسی مدعی است که حق با من است و دیگران گمراه اند. لذا چنین طرز فکری باعث جبهه گیری در مقابل هم و به سبب و شتم می انجامد.

بنده پس از بحث و بررسی به این نتیجه رسیده ام که این تعصبات نسبت به گروه بندی ها و حزب بازی هایی که مسلمانان درگیر آن هستند باعث تکه پاره شدن امت اسلامی و سبب بیگانگی آنان از یکدیگر گردیده است. اگر بخواهیم امت اسلامی را متحد بکنیم راهی جز اینکه در راستای وحدت و همفکری گام برداریم، نیست. و باید هر کسی که در محدوده قرآن و سنت حرکت می کند و هدفش رضای الهی و خدمت به مردم است برای ما قابل احترام باشد».

استاد شهید برای کلیه گروههایی که در چارچوب قرآن و سنت حرکت می کردند حق حیات و حق فعالیت قائل و به دلیل استقلال، نبوغ فکری و استعداد روحی و روانی که داشت هیچ

✓ در

مسائل فقهی

ایشان حنفی بودند.

اما خصیصه و

ویژگی که ایشان را

از بقیه علماء ممتاز

می کرد این بود که

وی معتقد به

ترجیح راجح اقوال

فقهی بود، نه تلفیق

و خروج از مذهب.

حتی برخی مخالف با تحصیل علم و دانش جدید بودند و در برابر سخنان وی واکنش نشان داده و شدیداً موضعگیری می‌کردند. به هر حال مولانا به حق کسی بود که در احیاء اندیشه ضروری تحصیل علوم و تخصص‌های جدید بسیار سخن گفت.

۵- زنان و تحصیل علم و دانش

یکی از دغدغه‌های دائم ایشان بی‌توجهی مردم این منطقه نسبت به تحصیل زنان در مدارس دینی یا دولتی و در دانشگاهها، شرکت در مساجد و حضور در مراسم نماز جمعه، عیدین و نماز تراویح بود. که الحمدلله الآن برخی از آرزوهای استاد شهید عملی شده و مدارس و مکاتب خواهران افزایش یافته و زنان در نماز تراویح حضور چشمگیری دارند. اما هنوز برای شرکت کردن آنها در نماز جمعه و نمازهای عید زمینه لازم فراهم نشده است.

۶- حوزه‌های علمیه و ضرورت ایجاد اصلاحات

استاد شهید برای حوزه‌های علمیه و علما نقش ویژه و تعیین‌کننده‌ای قائل بود. با این حال نسبت به وضعیت موجود حوزه‌ها نگاهی منتقدانه داشت و در فرصت‌های مناسب از ضرورت تحول در حوزه‌ها و ارتقاء سطح کمی و کیفی و افزایش کارآمدی و توانمندی فارغ‌التحصیلان حوزوی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی سخن می‌راند و در همین راستا تغییر برخی از مواد درسی، جایگزین کردن کتب درسی جدید بر اساس نیاز زمان، و هماهنگی تعطیلات حوزه‌ها و مدارس دولتی و عمق بخشیدن به فضای علمی و معنوی حوزه‌ها تدوین برنامه مشخص و هدفدار جهت تربیت افراد توانا در عرصه دعوت، ترجمه، تحقیق و پژوهش درباره موضوعات لازم را گوشزد می‌کرد.

۷- راهکارهایی برای رفع ستم و نابرابری

استاد شهید در عرصه اجتماع و سیاست بر این باور بودند که اساس و ریشه کلی دردها و معضلات حل نشده جامعه و جوّ بی‌اعتمادی بین‌اقتشار

گروهی صددرصد مورد تأیید ایشان نبود اما با همه جناح‌ها و حرکت‌های اسلامی و دینی نشست و برخاست و مراودت و رفتار یکسان داشتند. از اختلاف و طرح مسائل جزئی و فرعی بشدت پرهیز می‌کردند. مسائل فراجناحی و اندیشیدن به منافع ملی مسلمانان همواره مورد تأکید ایشان بوده است. هیچگاه از حزب و فکر خاصی جانبداری نمی‌کرد و با هیچ گروه و سازمان خاصی دست بیعت نداد و این روش و شیوه فکری ایشان تا آخرین لحظات زندگی ادامه داشت.

۴- تشویق به تحصیل و فراگیری تخصص‌های لازم

استاد شهید نسبت به فراگیری علم و تحصیل فرزندان این منطقه خیلی اهمیت می‌دادند و همیشه از تربیون مراسم عید و نماز جمعه به مردم توصیه می‌کردند که درباره تحصیل فرزندان خود بیندیشند و تنها به فکر مادیات و پول درآوردن نباشند و می‌فرمود: «ما نیاز به افراد مؤمن و تحصیل‌کرده داریم تا بتوانند برای جامعه و مردم‌شان خدمت کنند. شما باید در مسیر علم و تحصیل قدم بردارید، تخصص فرا بگیرید و هر نوع حرفه و فنی را که به درد جامعه و آینده من و شما می‌خورد یاد بگیرید. سطح آگاهی، فرهنگ و سواد خود را بالا ببرید و در کنار ملت‌های زنده دنیا حرکت کنید، و الا در مسیر تاریخ و در لابلای چرخ تاریخ له می‌شوید و از بین می‌روید و آیندگان شما را نخواهند بخشید.»

گر چه آنچه را که استاد شهید در آن زمان در زمینه علم و دانش و اهمیت و لزوم فراگیری آن مطرح کرده، امروزه تا حدودی حل شده است و شاید به نظر بسیاری از مردم این سخنان مولانا معمولی جلوه کند، اما واقعیت این است که شرایطی که در آن زمان بر جامعه حاکم بود و وضعیت بسیار دردناک و نامطلوبی که درباره علم و تحصیل وجود داشت، این سخنان وی بسیار عمیق و تعیین‌کننده بود و شرایط بگونه‌ای بود که کمتر کسی از علما در این خصوص سخن می‌گفت و

✓ هیچگاه از حزب و فکر خاصی جانبداری نمی‌کرد و با هیچ گروه و سازمان خاصی دست بیعت نداد.

مختلف جامعه، به وجود ستمهای ملی، مذهبی و طبقاتی بر می‌گردد.

از این رو رهبران و دلسوزان جامعه را به تلاش برای رفع ستمهای فوق فرا می‌خواند و در جهت رفع ستم و نابرابری راهکارهایی چون: تدریس زبان محلی، چاپ نشریات و کتب به زبان محلی، آزادی استفاده از لباس محلی در محیط‌های آموزشی و اداری، تولید برخی از برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به زبان محلی و بهره جستن از نخبگان بومی در مدیریت‌های محلی و ملی بر اساس اصل شایسته‌سالاری را مؤثر و حیاتی می‌شمرد.

ویژگیهای اخلاقی

ابعاد وجودی و خصوصیات اخلاقی، روحی و روانی استاد شهید را نمی‌توان در یک مقاله و یا در چند صفحه گنجانند. اما از آنجا که هر گوشه زندگی دلیرمردان و حماسه‌آفرینان و روشندان روشنفکر چراغی است بر فراز راه رهروان فکر و اندیشه، لذا بر آن شدیم که به برخی از خصایل اخلاقی و روحی ایشان بپردازیم:

۱- اخلاص

یکی از مهمترین برجستگی‌های شخصیت استاد شهید در بعد اخلاقی، اخلاص و یکسوئی وی به خداوند در امور و فعالیت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی بود. ایشان همواره در انجام کارها خشنودی خداوند را می‌جست و به ایمان و احتساب بشدت پایبند و متعهد بود. ایمان و احتساب که جوهره اصلی اخلاص و یکسوئی به خداوند است در اعمال و افعال وی کاملاً مشهود و ملموس بود. هیچ کاری را بدون اخلاص و ایمان و احتساب انجام نمی‌داد و همیشه می‌کوشید بدون کمترین چشم داشتی برای دیگران در کارهای نیک همکاری و مساعدت داشته باشد. همواره کارهای خیریه را که برای خلق خدا انجام می‌داد به فراموشی می‌سپرد. در کارها و امور اخیریه هیچگاه به طرز فکر و اعتقاد شخص مقابل نسبت به خود و

اندیشه‌های خود نگاه نمی‌کرد بلکه به نیاز او و رضای الهی توجه داشت.

۲- ساده زیستی

استاد شهید در نشست و برخاست و لباس بسیار ساده و عاری از هرگونه تشریفات و عرفهای دست و پاگیر رایج رفتار می‌کرد. و علی‌رغم شخصیت برجسته‌اش همانند دیگران لباس ساده محلی به تن می‌کرد. و از رفتارهای مقدس‌مآبانه پرهیز می‌کرد. از برخوردهای رسمی و تشریفاتی به شدت دوری می‌جست. زندگی ساده و بی‌آلایش را می‌پسندید و به لحاظ ظاهری بگونه‌ای بود که در محافل، افراد تازه وارد و ناآشنا ایشان را با معرفی دیگران می‌شناختند.

۳- انتقاد پذیری

در شنیدن انتقاد از دیگران از سعه صدر فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. بگونه‌ای که حتی انتقادات تلخ و شدیدالحن و بعضاً ناموجه را بخوبی گوش می‌کرد و با گشاده‌رویی به گفتگو با افراد منتقد می‌پرداخت و همواره در سخنانش عرض می‌کرد: «ما علماء و مولوی‌ها معصوم نیستیم، هر کجا اشتباه و منکری را از ما دیدید، به ما تذکر بدهید.»

۴- شجاعت

یکی دیگر از صفات مهم و برجسته اخلاقی استاد شهید شجاعت و دلیری ایشان بود. قطعاً اینگونه شجاعت و دلیری نشأت گرفته از ایمان راسخ مؤمن است. شجاعت در بیان حقایق، شجاعت در دفاع و حمایت از مظلومان، شجاعت در فداکاری و از خودگذشتگی و شجاعت در چشم پوشی از مصالح شخصی و عافیت طلبی، که تجلی‌هایی از نوع این صفات بارز در زندگی استاد شهید مشهود بود.

ایشان همیشه آماده رویارویی با خطرات و مشکلات بود، و همیشه این مقوله شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته‌الله را نقل می‌کرد: «دشمنانم هیچ کاری نمی‌توانند با من انجام دهند، چرا که اگر مرا بکشند

استاد شهید

در عرصه اجتماع و سیاست بر این باور بودند که اساس و ریشه کلی دردها و معضلات حل نشده جامعه و جو بی‌اعتمادی بین اقشار مختلف جامعه، به وجود ستمهای ملی، مذهبی و طبقاتی بر می‌گردد.

هنگام استراحت و در ساعات آخر شب و حتی قبل از اذان صبح درب منزل او را بصدا در آورند و با استقبال گرم میزبانِ مهربان و محبوبشان مواجه شوند.

شهادت

شهید مولانا عبدالملک رحمته اللہ علیہ همیشه در سخنرانیها، کلاسهای درس و در مناسبت‌های مختلف از مجاهدان، مبارزان و شهیدان در راه خدا تجلیل کرده و از درگاه خدایتعالی می‌خواست تا به ایشان نیز شهادت در راهش نصیب بشود.

و حقا که آرزوی ایشان برآورده شد و پس از سالها تلاش و فعالیت بالاخره در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۷۴ هـ ش در شهر کراچی پاکستان توسط مزدوران فریب خورده ترور شد و به شهادت رسید و این چنین اخلاص و صدق گفته‌های خود را با خونش امضاء کرد.



مرگ در راه نیل به شهادت آرزو و افتخار هر مؤمن است و اگر زندانم بکنند فرصتی است برای خلوت و راز و نیاز با پروردگار، و اگر مرا تبعید بکنند برای من سیاحت و دیدن آفریده‌های الهی و دعوت و تبلیغ است».

وی می‌فرمود: «مسلمانی که به عظمت و الوهیت پروردگار پی برده است جز خدا از هیچ کس نمی‌ترسد و ابرقدرتهای دنیا در مقابل او مثل تار عنکبوت بشمار می‌روند». هرگاه دوستان به ایشان تذکر می‌دادند که بدون همراه و محافظ مسافرت نکنند در پاسخ این شعر را زمزمه می‌کرد:

و لستُ أبالی حین أقتلُ مسلماً

علیٰ أیّ جنّبٍ کان فی الله مضرّعی

اگر موتم در راه رضا و خشنودی خداوند باشد هیچ باکی ندارم که چگونه از دنیا می‌روم. آری! حماسه‌سازان تاریخ این گونه به استقبال مرگ می‌شتابند و مرگ شرافتمندانه برای آنان سرفصل حیاتی نوین است.

۵- خیرخواهی و صمیمیت

ایشان خیرخواه تمامی اقشار جامعه بود و آماده هرگونه خدمت و فداکاری و همدردی برای مردم بود. اگر خبر می‌شد بین جمعی از برادران مسلمان در خصوص چگونگی فعالیت دینی و یا مسائل دیگری اعم از اجتماعی و مردمی اختلاف و دو دستی بروز نموده خود را به آنها می‌رساند و همه را دعوت به صبر، تحمل و همدلی می‌کرد. گاهی برای مدت مدیدی برادر مسلمان بیماری را در منزل شخصی خود تحت پرستاری و درمان قرار می‌داد تا از غم و رنج خانواده ناتوانش بکاهد و گاهی از غم و رنج خانواده‌های بی‌سرپرست و ایتم با کمک‌های مالی و عاطفی می‌کاست و در برخی از موارد با اعطای کمک‌های مالی و قرض‌الحسنه یا بلاعوض در راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی و اشتغالزایی یاری می‌داد. و در ارتباط و رفت و آمد با دیگران چنان صمیمی می‌نمود که بساری از میهمانان و دوستانش بخود اجازه می‌دادند در

مسلمانی
که به عظمت و
الوهیت پروردگار
پی برده است جز
خدا از هیچ کس
نمی‌ترسد و
ابرقدرتهای دنیا در
مقابل او مثل تار
عنکبوت بشمار
می‌روند.